

متن پرسش

سلام بر استاد بزرگوار: حقیقتاً ما در این مدت اندک زندگی که داشتیم الحمدلله به فضائی نائل شدیم و بسیار دین مطالعه کردیم و با اشخاص دینی هم صحبتی داشتم حقیقتاً سوالی هست که در طی این سال ها ذهن بنده را درگیر کرده و از هر کسی که پرسیدیم جواب صحیح و منطقی ندادند و سوال ما این است که داستان این ظلمت در دنیا چیه؟ چرا مومنان در معرض امتحان هستند و دلایل این امتحانات چیه؟ امتحان که مشکلی نداره اما چرا امتحان از سطح ما بالاتر است و در سطح نفس ما نیست دلیل این چیه؟ مگر چه گناهی مرتکب شدیم که باید با امتحاناتی بالاتر از نفس خود مواجه شویم؟ چرا خداوند به ما تخفیف نمی‌دهد و امتحانات روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود و هیچ کسی نمی‌تواند ما رو توجیه کند که دلیل این چیست؟ آن اشخاصی که پول ندارند گناهشان چیست؟ این اشخاص چه کرده اند که به زجرکش بودن محکوم شده اند؟ چرا سعادت در دنیا و آخرت از این اشخاص محروم است؟ آیا نمی‌شد که امتحانات درجه امتحانات الهی پایین تر باشد و خداوند در حق ما کمی تخفیف بدهد. در خیلی از سایت ها رفتیم و صحبت کردم جواب آنها منطقی نبود و بنابراین به شما مراجعه کردم بابت پاسخگوییتون هم بسیار ممنونم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در موضوع امتحان الهی، بحث بسی بسیار گسترده است. آری! مسلماً امتحانات الهی در نسبت تعالی انسانها به میان می‌آید تا استعدادهای نهفته آنها شکوفا شود و لازمه چنین حضوری آن است که انسانها خودشان میدان را برای امتحانهای الهی گشوده باشند و این غیر از آنانی است که خود را گرفتار آرزوهای دنیایی کرده باشند و سپس گمان کنند خداوند باید جواب آن آرزوها را بدهد. در حالی که امتحان الهی در مسیر حرکت‌های توحیدی شکل می‌گیرد و موجب تعالی می‌شود وقتی ایمان در میان باشد. این اهل ایمان‌اند که می‌یابند چه اندازه امتحانات انسان‌سازند و به گفته جناب شیخ بهائی: «رنج راحت شد چو شد مطلب بزرگ / گرد گله توتیای چشم گرگ». آری! خداوند از طریق این نوع سختی‌ها وقتی در بستر ایمان الهی پیش آید انسان را از جهان روزمژگی‌ها به جهانی بسی گسترده‌تر می‌برد امری که بنده تصور می‌کنم در دل سختی‌های موجود که در بستر انقلاب اسلامی پیش آمده است در حال تحقق است و این البته جدای از چپاول‌هایی است که رانت‌خواران پیش آورده‌اند و رسوایی بزرگی را در همین دنیا برای خود رقم زده‌اند. و از این نکته نیز نباید غافل بود که وقتی باورها تنها در محدوده مفاهیمی که حکایت از وجود

حقیقت می‌کنند در میان باشد، حقیقت گم می‌شود و شور زندگی حقیقی که با اُنس با حقیقت در جلوه‌ها و مظاهر مختلفش به میان می‌آید، به حاشیه می‌رود و جای آن را روزمرگی‌های سرد و تکراری می‌گیرد و امتحانات الهی که زمینه کمال انسان است به رنج‌های غیر قابل تحمل تبدیل می‌گردد، در این فضا نیست‌انگاری رخ می‌نماید، زیرا انسان نتوانست خود را طوری احساس کند که در میدان امتحانات الهی نسبت او با حقیقت در میان باشد. موفق باشید